



مطالعه و بررسی رویکردهای متفاوت پیشگیری از جرایم در حقوق ایران و بین‌الملل با تاکید بر مدل لیبرال کنترل جرم

سوگند کاری^{*۱}

۱- گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.
* تهران، چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی چالوس.

چکیده

کنترل جرایم و پیشگیری از ارتکاب جرم همواره مورد توجه جوامع مختلف بوده و رویکردهای مختلفی برای نیل به این هدف اتخاذ شده است. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است، رویکردهای متفاوت پیشگیری از جرایم در حقوق ایران و بین‌الملل مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. مدل لیبرال کنترل جرم، با تاکید بیشتری، مورد توجه بوده است. الگوی سنتی یا محافظه‌کارانه کنترل جرم از مقدماتی که موضوع اساسی کنترل جرم است آغاز می‌شود، این دیدگاه بر اساس این مفهوم که تبعیت از قانون موضوعی کلیدی است و اجرای قانون و پیشگیری از جرم باید نشانه‌های بالقوه‌ی تخلفات موجود را ردیابی کند؛ بنا نهاده شده است. در مدل رادیکال، بیشترین گرایش به رویکردی مبتنی بر به چالش کشیدن اساس شرایط موجود، از خودبیگانگی اجتماعی و رقابت‌های نامتوازن تجاری است. در نهایت از منظر مدل لیبرال، مقوله‌ی جرم به گونه‌ای است که آن را معضلی اجتماعی ناشی از کمبود و نارسایی‌های خاص فردی و گروهی می‌داند. این دیدگاه به جای تمرکز بر کنترل جرم، اساس کار خود را بر مردم بنا نهاده است؛ به گونه‌ای که باید نقطه‌ی آغاز تغییر شروع شده و اقداماتی در راستای اصلاح وضعیت فردی و جمعی صورت پذیرد.

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی کامل
دریافت: ۷ اسفند ۱۴۰۱
پذیرش: ۹ فروردین ۱۴۰۲
ارائه در سایت: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲
کلید واژگان:
کنترل جرم
حقوق
مدل لیبرال کنترل جرم

Criminal law innovations in the field of cybercrimes with an emphasis on vulnerable victims

Sogand Kari ^{*1}

1- Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

* Tehran, Chalos, Chalos Islamic Azad University.

Article Information

Original Research Paper
Received 2023-02-26
Accepted 2023-03-29
Available Online 2023-05-10

Keywords:

Crime control
Rights
Liberal model of crime control

Abstract

With the advancement of information and communication technology, fundamental changes have taken place in human life. Those human behaviors that were traditionally considered crimes; Today, it is realized in the form of translating criminal ideas into a specific computer language or through cyber space. In this way, a new space called cyberspace has been created, where boundaries and limits do not have meaning in the traditional way. However, it can be claimed that the newest and biggest challenge of criminal law is dealing with cyber crimes. Because the existing criminal laws and criminological studies in the field of cybercrimes have made it possible to commit crimes not only for criminals, but also for ordinary citizens of the Internet much more than the citizens of the real world; For this reason, the number of cyber victims has also increased significantly. In this research, the innovations of criminal law in the field of cybercrimes were investigated with an emphasis on vulnerable victims. Types of support for victims of cybercrimes were introduced in this research, which include substantive support (including simple criminal support and specific or special criminal support), formal support, and material and spiritual support.

۱- مقدمه

قتل، کلاهبرداری، سرقت، و غیره. از حیث عنصر قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرایم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است. و از حیث عنصر مادی جرم کیفری ممکن است مستقل از زیان و خسارت‌های مادی تحقق یابد (شامبیاتی، ۱۳۸۴).

برابر قانون مجازات اسلامی، تمامی جرایم مشخص شده و در قانون آمده است و با تعریف واضح از مفهوم جرم می‌گوید. هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد؛ جرم محسوب می‌شود. بنابراین اولین چیزی که باید به آن توجه کرد، این است که جرم بی‌شک تنها، انجام کار نیست. در برخی مواقع عدم انجام کار نیز جرم است؛ مثلاً در هنگام تصادف اگر کسی در جای خلوت به شخصی صدمه زده و او را رها می‌کند و با این رهاسازی آسیب بیشتری به شخص وارد می‌شود یا از خونریزی زیاد می‌میرد، این ترک فعل، جرم محسوب می‌شود.

۲-۱- پیشگیری و کنترل جرم: شباهت‌ها، تفاوت‌ها

کنترل جرم، یکی از مفاهیم کلیدی فرهنگ لغات علوم اجتماعی و سیاسی مدرن است. این اصطلاح ایجاد شده تا معرف محدودهای وسیع از حوزه‌ها و مؤسسات - مشتمل بر سیستم آموزشی و رفاهی باشد. کنترل جرم، به عنوان یک مفهوم، از رابطه‌ای نزدیک با مسأله‌ی نظم عمومی نشأت گرفته است. نظم عمومی، یکی از مفاهیم کاربردی و در عین حال مبهم حقوق است. نظم عمومی از دو بخش «نظم» و «عمومی» تشکیل گردیده است. «مفهوم نظم معنای روشنی دارد و در مقابل هرج و مرج قرار می‌گیرد و در لغت به معنای گردآوردن، پیوست نمودن و مقارنت دادن بین اشیا گوناگون است. آیه الله سبحانی در تعریف نظم آورده‌اند: «نظم عبارت است از نوعی پیوند و همکاری بین اجزای یک مجموعه در راستای تحقق هدفی معین، به گونه‌ای که هر جزئی از اجزاء مکمل دیگری بوده و فقدان هر جزء موجب می‌شود که مجموعه اثر مطلوب و هدف مورد نظر را فاقد باشد» (سبحانی، ۱۳۸۲). عمومی کلمه‌ای است که در ادبیات فارسی به معنای فراگیری و وجود گستره زیاد، غیر اختصاصی بودن و غیر محدود بودن مورد استفاده قرار می‌گیرد (مدنیان و همکاران، ۱۳۹۰). اصطلاح نظم عمومی در فقه، اصطلاح شناخته شده‌ای است و متون فقهی و حقوقی بسیاری، در بردارنده‌ی این واژه است و تعریف‌های متعددی از آن به عمل آمده است، لیکن برای تشخیص مصادیق نظم عمومی ضابطه‌ی دقیقی ارائه نشده است و نمی‌توان از تمام آن تعاریف چنین ضابطه‌ای را به دست آورد. نقطه‌ی مشترک مذکور در این تعریف‌ها، ارتباط مفهوم نظم عمومی با منافع و مصالح عمومی جامعه است. از این رو، برخی از حقوقدانان منافع عمومی را ضابطه‌ی تعیین قواعد امری می‌دانند و قوانینی را که به منظور حفظ منافع جمعی افراد یک جامعه وضع می‌شوند، قوانین دارای جنبه‌ی نظم عمومی و امری می‌نامند (کاتوزیان، ۱۳۷۶). در تعریف نظم عمومی آورده‌اند: نظم عمومی را مجموعه سازمان‌های حقوقی و قواعد مربوط به حسن جریان امور راجع به اداره کشور یا حفظ امنیت و اخلاق در روابط بین افراد بطوری که افراد نتوانند از طریق قراردادهای خصوصی از آن تجاوز کنند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳).

کنترل اجتماعی در جرم‌شناسی که دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین و اصول و قوانین معین و دارای ضمانت اجرا است که یک جامعه در

بزهکاری پدیده‌ای است که در طول تاریخ حیات بشر ابعاد فردی و اجتماعی زندگی وی را تحت تأثیر قرار داده است (آزرم، ۱۳۹۷). ارتکاب جرم و نقض قوانین جامعه از یک سو افرادی را از مدار هم‌زیستی مطلوب با جامعه خارج کرده و واکنش جامعه را در پی داشته است و از سوی دیگر فلسفه زندگی اجتماعی انسان (تأمین امنیت، رفاه و رفع نیازهای مشترک) را به چالش کشیده است. به همین دلیل کنترل جرایم و پیشگیری از ارتکاب جرم همواره مورد توجه جوامع مختلف بوده و رویکردهای مختلفی برای نیل به این هدف اتخاذ شده است (گلدوزیان، ۱۳۹۶). ارباب، سزاده‌ی، ناتوان سازی، حفاظت از آماج جرم، حذف موقعیت‌های جرم‌زا و بالا بردن خطر ارتکاب جرم از جمله ابتدایی‌ترین راهکارهای تجربه شده بشر در این زمینه است. با این همه، افزایش ارتکاب جرم نشان‌دهنده ناکارآمدی راهکارهای تجربه شده است. جرم و آسیب‌های اجتماعی وجه مشترک تمامی جوامع اعم از توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته است. آنچه در بحث جرم، کشورها را از یکدیگر جدا می‌کند؛ نوع نگاه مدیران ارشد و سیاست‌های آن کشور در خصوص نحوه کنترل جرم است. مطالعه تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که اندیشه کنترل و پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در نظامات حقوق کیفری همواره مطمع نظر بوده است. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است، رویکردهای متفاوت پیشگیری از جرایم در حقوق ایران و بین‌الملل مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. مدل لیبرال کنترل جرم، با تأکید بیشتری، مورد توجه بوده است.

۲- تعریف جرم

جرم در معنای لغوی مترادف گناه، تعدی، خطا و عصیان آمده است و جمع آن اجرام و جروم است (عمید، ۱۳۶۰). بنابراین، جرم در معنای لغوی دارای محدوده وسیعی است که هم شامل بزه می‌شود و هم گناه و استعمال آن در زبان فارسی و به عنوان فعل یا ترک فعل قابل کیفر عاری از اشکال نیست. تعریف مصطلح جرم از معنای لغوی آن فاصله داشته و بر حسب رشته مربوطه، شرایط و قیودی بر معنای لغوی وارد شده است. تعریف جرم بر حسب نظر اندیشمندان و بر اساس رشته‌هایی که جرم را مورد مطالعه قرار می‌دهند، متنوع و متفاوت است. بسی مشکل است تا از میان انبوه این تعاریف، تعریفی را انتخاب کرد که جامع افراد و مانع اغیار باشد؛ حتی در حقوق کیفری، حقوق‌دانان بر سر تعریف نهایی جرم توافق ندارند و در نهایت، علی‌رغم نظرات اصلی خویش، تسلیم تعریف قانونی جرم می‌شوند. علمای حقوق کیفری هر یک جرم را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند. هر یک از این تعاریف، اغلب از گرایش‌های نظری مکتب‌های خاصی بر گرفته شده است. برای نمونه مکتب عدالت مطلق، جرم را «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف کرده است. یا بنا به تعریف گارو فالو یکی از بنیان‌گذاران دانش جرم‌شناسی، جرم عبارتست از تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی «جریحه‌دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع‌خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود» (اردبیلی، ۱۳۹۲). برخی نیز آورده‌اند هر فعلی که به موجب قوانین کیفری انجام دادن و یا ترک آن با مجازات مقرر توأم باشد، جرم است. مانند

۳- مدل‌های کنترل جرم

مقوله‌ی کنترل جرم امری چالش‌برانگیز است. افراد جامعه راجع به این مقوله که چه چیزی در زمینه پیشگیری مورد اشاره قرار گیرد؛ نظرات متفاوتی دارند. آنها برای برآورده شدن اهداف مختلف در زمان‌های گوناگون مرتبط با هدف‌های فلسفی و سازمانی تلاش می‌کنند. هر مدل، کانون توجه و مفاهیم ویژه یک رویکرد و تدابیر مداخله‌کننده‌ی اولویت‌یافته، مفهوم تعریف شده از جرم، نقش جامعه به عنوان بخشی از نیروی تلاشگر پیشگیری از جرم و رابطه بین راهبردهای قانون و نظم را مورد تصدیق و شناسایی قرار داده است. در ایجاد و ترسیم مدل‌ها کار اشخاصی همچون (مکت نامارا، ۱۹۹۲)، (وایت و کاتن، ۱۹۹۵) و (ایادی کرلا، ۱۹۸۶)، مد نظر قرار گرفته است. همچنین به طور اساسی بر جوامعی که استراتژی‌های مبنایی آنها، تلاش برای متوقف کردن رفتارهای مجرمانه قبل از به وقوع پیوستن آنها می‌باشد؛ تمرکز شده است. مدل‌های ارائه شده در آتی، انواع مطلوب و ایده‌آلی هستند که در مفهوم و چشم‌انداز کنترل جرم، با مثال‌های ملموس همراه شده است.

۳-۱- مدل محافظه‌کار در کنترل جرم

الگوی سنتی یا محافظه‌کارانه کنترل جرم از مقدماتی که موضوع اساسی کنترل جرم است آغاز می‌شود، این دیدگاه بر اساس این مفهوم که تبعیت از قانون موضوعی کلیدی است و اجرای قانون و پیشگیری از جرم باید نشانه‌های بالقوه‌ی تخلفات موجود را ردیابی کند؛ بنا نهاده شده است. در نهایت جرم به عنوان یک موضوع محرک و بازدارنده بررسی شده است. برخی افراد تحریک به ارتکاب جرم می‌شوند و برخی دیگر از اعمال خلاف قانون دوری می‌کنند. اساساً مدل محافظه‌کار ترکیبی از عناصر تئوری جرم‌شناختی کلاسیک است (با تأکید بر اراده‌گرایی و مسئولیت شخصی) و تئوری انتخاب عقلایی مبنی بر اینکه رفتار مجرمانه شخص بر حسب علم و به طور حساب شده نسبت به مضار و منافع عمل ارتكابی، صورت می‌گیرد (وایت، ۱۳۹۱). راه حل این مسئله، افزایش هزینه ارتکاب جرم و کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و بهبود شرایط کشف جرم است. در خصوص کاهش فرصت دست یازیدن به عمل مجرمانه، آینده‌نگری‌هایی نسبت به اقدامات طراحی شده در این راستا، صورت گرفته است. ابتدا برای افزایش مراقبت و نظارت در اماکن عمومی و حوزه‌های دولتی (مثل خیابان، محل کار، حمل و نقل عمومی و ...) از طریق گشت‌زنی پلیس، تشکیل هیأت نظارت شهروندی، کار گذاشتن دوربین‌های مدار بسته و خط ارتباطی مخصوص تماس با پلیس و همچنین ایجاد حمایت و حفاظت بهتر از ساختمان‌های موجود و ساختمان‌های جدید، مجتمع‌های بزرگ و مناطق مسکونی، از طریق تکنیک‌های طراحی جدید، تقویت سبیل و آماج مجرمانه و به کارگیری نمایندگی‌های امنیتی خصوصی، صورت می‌پذیرد. به طور کلی، مدل محافظه‌کار بر شرایط پیدایش اسباب و دلایل وقوع جرم (به ویژه با در نظر داشتن الگوهای خاص مجرمیت مرتبط با گروه‌های اجتماعی خاص) تکیه نمی‌کنند (موسوی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶)، در عوض به صورت انتزاعی فرضیاتی را مطرح می‌کند که جرم موضوعی است مربوط به انتخاب آگاهانه و وجود فرصت‌های ارتکاب جرم، بنابراین برای هر فردی این اختیار وجود دارد که رفتار صحیح را دنبال کند. اغلب برنامه‌های کاربردی مدل‌ها در حوزه جرایم خیابانی متداول و جرایم

اختیار دارد و از آن‌ها برای تضمین هم‌نواپی رفتار اعضا خویش، در برابر کجروی استفاده می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰) منظور از شناخت اجتماعی، درک فرد از حالات روان‌شناسی خود و استنباط وی از مردم و روابط و موقعیت‌های اجتماعی است. بر طبق نظریه شناخت اجتماعی با تکیه بر این واقعیت که جرم و انحراف نیز مانند سایر رفتارها آموخته می‌شود، می‌توان با تغییر شناخت (تغییر باورها و شناخت و نگرش افراد) و تغییر محیط (از طرق ارائه تقویت‌کننده‌های درونی و بیرونی، ارائه الگوی مناسب، تقویت و یادگیری رفتارها) رفتارهای سالم را با رفتارهای ناسالم جایگزین کرد (ماستری فراهانی، ۱۳۹۷). شناخت اجتماعی به عنوان یک متغییر واسطه‌ای و میانجی بر رفتار و عواطف فرد اثر گذاشته و به خود نظم بخشی و کنترل رفتارها و هیجانات کمک می‌کند.

از این رو در بیان تفاوت پیشگیری و کنترل جرم، پیشگیری را می‌توان یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل جرم بر شمرده که دربردارنده‌ی مجموعه راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از وقوع جرم و کجروی طراحی و تدوین می‌شود (مظفری‌زاده، ۱۳۹۰). از این رو پیشگیری زیرمجموعه‌ای از کنترل جرم بوده و در طول آن قرار می‌گیرد. اهمیت و کارآمدی پیشگیری، همواره توجه صاحب‌نظران نظام‌های جزایی و حوزه سیاست جنایی را به خود جلب کرده است. تجربه‌های دراز مدت نظام‌های کیفری و همچنین یافته‌های تجربی چند دهه اخیر نشان می‌دهد که در صورت اجرای صحیح، پیشگیری راه حلی به مراتب کارآمدتر و موثرتر از راهبردهای پسینی مقابله است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که پیشگیری، کاهشی قابل توجه در نیروها و هزینه‌های مورد نیاز در دیگر بخش‌های مرتبط با کنترل جرم در پی دارد (پیتزکی، ۱۳۹۷). باید اذعان داشت که رویکرد جرم‌شناسانه نسبت به پیشگیری در طول تاریخ با دو نگرش متفاوت روبرو بوده است. برخی از جرم‌شناسان تعریف پیشگیری را در قالبی کلان تعریف کرده‌اند و برخی دیگر پیشگیری را در مفهوم خرد به کار بسته‌اند. جرم‌شناسان کلان‌نگر اعتقاد دارند هر اقدامی که علیه جرم صورت بگیرد و آن را کاهش دهد، پیشگیری نامیده می‌شود. برای اینان انواع تدابیر کیفری و غیرکیفری در هر مرحله‌ای (قبل از جرم یا بعد از آن) نوعی پیشگیری محسوب می‌گردد. بنابراین، تعقیب بزه‌کار یا اعمال مجازات علیه مجرم نیز از دید این متفکران پیشگیری به شمار می‌آید (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۹۶). مطابق با این تعریف پیشگیری و کنترل جرم بر هم منطبق بوده و تفاوتی ندارند. در سوی مقابل، اندیشمندان سطح خرد بر این باورند که پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای مهار بهتر بزه‌کاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجب فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد. از این رو، در این رویکرد کیفر یک جرم (مانند سرقت) پیشگیری محسوب نمی‌شود. از تعریف دوم کاملاً پیداست که رویکرد سطح خرد بر عوامل اجتماعی مهمی چون بهبود کیفیت محیط اجتماعی یا کاستن از عوامل جرم‌آفرین تأکید دارد. در این تعریف کنترل جرم و پیشگیری از آن متفاوتند.

مربوط به محل کار مثل سرقت‌های خرد و انتقال اطلاعات محرمانه می‌باشد. موضوعات مرتبط با جرم شرکت‌ها در حوزه‌ی فعالیت افراد خاصی مطرح می‌شود و به طور کلی شامل سابقه و فعالیت‌های تجاری نمی‌شود.

۲-۲- مدل رادیکال کنترل جرم

در این مدل تمرکز بر جنبه‌های کنترل جرم یا سازگاری گروهی و فردی نسبت به شرایط ساختاری موجود نمی‌باشد. بلکه بیشترین گرایش به رویکردی مبتنی بر به چالش کشیدن اساس شرایط موجود، از خودبیگانگی اجتماعی و رقابت‌های نامتوازن تجاری است. یکی از هدف‌های مدل رادیکال، عدالت اجتماعی است. نقش محوری بسیاری از مسائل مرتبط با جرایم خیابانی، جرایم شرکت‌ها و جرایم دولتی در این مدل مدنظر است. عدالت اجتماعی در این دیدگاه اشاره به موفقیت در تغییرات ساختاری حاصله در تشکیلات اساسی نهادهای اجتماعی و اختصاص منابع جامعه‌ی دارد. در این رویکرد به جای مطالعه‌ی مشکلات اجتماعی بر حسب آثار آنها بر افراد خاص جامعه (مثل مقوله‌ی فقر که کانون تحقیقات یا برنامه‌ی توسعه‌یافته قرار گیرد). در درجه نخست به بررسی روابط بین گروه‌ها (مثل غنی و فقیر) و تلاش‌هایی برای نشان دادن عدم توازن ساختاری و نابرابری‌های موجود که موجب پیدایش معضلاتی همچون فقر می‌شود؛ گردیده است (همان).

راهبردهای اصلی در این مدل شامل اقداماتی برای کاهش نابرابری از طریق راهکارهایی همچون توزیع مجدد منابع و تخصیص مجدد در جامعه (برای مثال از طریق وضع مالیات بیشتر برای اغنیا و بیگانگان) و ترغیب در راستای اعطای اختیارات جامعه‌ی از طریق دموکراتیزه کردن همه صورت‌های مختلف زندگی مردم (مثلاً در محل کار، سطح همسایگان محلی، میان اهل خانواده) است که در بردارنده‌ی عرصه‌هایی همچون رویه‌های مرتبط با پیشگیری از جرم نیز می‌شود (زارع‌مهدوی و افراسیابی، ۱۳۸۹). نشان دادن جرم به عنوان معضل خاص و مداخله‌ی فعالانه در موضوعات متعدد و با اهمیت سیاسی و اقتصادی، همچنین سازمان‌دهی اعضای جامعه برای اعمال کنترل در راستای امنیت بهتر خودشان و زندگی مطلوب‌تر در سطح داخلی صورت می‌پذیرد. این موارد شامل طرح موضوعاتی همچون آلودگی محیط زیست، نارسایی در حمل و نقل عمومی و ناکافی بودن تسهیلات مسکن و آموزش، آزارجنسی، خشونت نژادی و مشکلات مرتبط با جرایم متداول و سنتی و رفتارهای ضد اجتماعی می‌باشد. در این رویکرد اعضا جامعه به عنوان نمایندگان قطعی جامعه برای تغییر و به دست آوردن حق خودشان تلقی می‌شوند.

۳-۳- مدل لیبرال کنترل جرم

رویکرد مدل لیبرال به مقوله‌ی جرم به گونه‌ای است که آن را معضلی اجتماعی ناشی از کمبود و نارسایی‌های خاص فردی و گروهی می‌داند. این دیدگاه به جای تمرکز بر کنترل جرم، اساس کار خود را بر مردم بنا نهاده است؛ به گونه‌ای که باید نقطه‌ی آغاز تغییر شروع شده و اقداماتی در راستای اصلاح وضعیت فردی و جمعی صورت پذیرد؛ اساساً دورنمای این دیدگاه چنین است که شرایط ارتقا موقعیت برای آن مردمی که از فرصت‌های تحصیل و کار مناسب یا کار با درآمد مکفی جدا و محروم بوده‌اند، فراهم شود (افراسیابی و قیاسی، ۱۳۹۳).

تمرکز اصلی در این دیدگاه روی افراد در معرض خطر و گروه‌هایی است که برخی نشانه‌ها و تمایلات برای ارتکاب جرایم معمول، در آنها وجود دارد. بعد از شناسایی افرادی که در معرض ارتکاب نوع خاصی از جرم هستند، تدابیر لازم براساس آسیب‌شناسی ماهیت مشکل و مداخله جهت اصلاح وضعیت فراهم می‌شود. این امر ممکن است ما را با کمبودهای شخصی موجود در فرد که منجر به مواردی مثل اعتیاد به مواد مخدر شده است و یا تلاش برای معرفی برنامه‌هایی که در مرتفع ساختن مشکلات مردم جامعه راهگشا واقع شود، مواجه سازد. (برای مثال، برنامه آموزش زبان انگلیسی برای مهاجرینی که قادر به انگلیسی صحبت کردن نیستند). این مدل وام‌دار نظریه‌های همچون تفاسیر زیست‌شناختی و روانشناختی (که به طور کلی بر محور فرد تأکید دارد) و نظریه‌ی فشار (با تأکید بر فاصله بین اهداف فرهنگی و وسایل ساختاری برای به دست آوردن آنها)، تئوری برچسب‌زنی (جایی که خودپنداری مثبت یا منفی از القابات پیرامونی با ساختار شخصیتی و روانی وی ملازمت پیدا می‌کند) و جرم‌شناسی واقع‌گرای چپ (که تأکید بر رویکردهای مبتنی بر آثار منفی چندگانه در پیدایش جرم در سطح جامعه دارد) می‌باشد (دارابی، ۱۳۹۴).

بر این اساس تفاوت بین مجرم و غیرمجرم در شرایط جامعه‌ی، روانی و زیستی است که بر آنها عارض می‌شود. ارتقا فرصت‌ها و تأمین وسایل و بهبود استطاعت گروه‌ها و افراد با مداخله‌ی زودهنگام و مساعی جمیله برای سوق دادن ایشان به استفاده‌ی مطلوب از منابع، در راستای بهبود شرایط جامعه‌ی و اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این مدل جامعه به عنوان یک منبع و دارنده-ی حق تلقی می‌شود و این ایده جهت به تحرک و داشتن اعضای جامعه در طیفی از ابزارها و وسایل خودیاری همچون برنامه‌های ورزشی داوطلبانه، تشکیل گروه‌های اجتماعی، برگزاری اردوها، فعالیت‌های اوقات فراغت و مواردی از این قبیل تبلور یافته است. این امر ممکن است مستلزم مساعدت حرفه‌ای کارکنان جامعه به خصوص افسران پلیس آموزش‌دیده و مددکاران اجتماعی و کمک‌های مالی در کوتاه مدت که از جانب دولت برای آموزش یا انجام طرح‌های خدماتی اعطا می‌شود؛ آشکار گردد. همچنین تصدیق رویکرد بهبود و توسعه‌ی اجتماعی با در نظر داشتن موضوع کنترل جرم که با تکیه بر مشارکت و مساعدت عوامل متعدد و تسهیم و تقسیم ایده‌ها و منابع صورت گرفته است؛ همواره مدنظر است.

۴-۳- محدودیت‌های مدل لیبرال

محدودیت‌های مدل لیبرال عبارتند از اینکه: بررسی و مواجهه این مدل صرفاً با جرایم سنتی در جامعه است و همچنین این پرسش وجود ندارد که دلایل وجود نابرابری چیست؟ و چرا برخی از مردم به طور ویژه از کمبودهایی در سیستم موجود جامعه رنج می‌برند؟ اساساً گرایش اصلی این رویکرد معطوف شدن به ابتکارات جامعه محلی است؛ بنابراین جهت دست‌یابی به منابع مادی لازم برای تبدیل آن به موقعیت‌ها و فرصت‌های مطلوب در زندگی مردم و جوامع محلی، همواره در تلاش است. از نظر سیاسی این مدل گرایش به تقابل یا به چالش کشیدن بسیاری از جنبه‌های [شعار] قانون و نظم و پاسخ به جرم و کنترل جرم دارد. این مقوله از نظر ماهیت کنشی است و به جای اینکه صرفاً به بررسی موارد خاص مجرمانه

جدول ۱ تقسیم‌بندی نهادهای ایرانی مسئول در برابر کنترل جرم	
رویکرد نسبت به مسئله	برخی از مهم‌ترین نهادها
اجتماعی	آگاه‌سازی
مداخله‌ای	صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آموزش و پرورش
توانمندسازی	نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضاییه، سازمان زندان‌ها
	سازمان بهزیستی کشور، سازمان تأمین اجتماعی، وزارت آموزش و پرورش

از جدول ۱ نیز مشخص است که کارکرد برخی از نهادها با یکدیگر همپوشانی دارد و نمی‌توان این تقسیم‌بندی را قاطعانه اعلام کرد. اما نباید از یاد برد که هر سه مرحله‌ی آگاه‌سازی، مداخله و توانمندسازی نیازمند آمارهای دقیق است. فقدان آمارهای دقیق می‌تواند هر سازمانی را در زمینه فعالیتش زمین‌گیر سازد. از این رو پیشنهاد می‌شود تا اولاً یک سازمان مشترک در میان سازمان‌ها و نهادهای مسئول در این عرصه شکل بگیرد و وظیفه تولید رسمی آمار جرایم در کشور را به دوش بکشد. همان‌گونه که در درون کشور آمارهای اقتصادی از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار اعلام می‌شود نیاز است تا سازمانی نیز وظیفه اعلام آمارهای مربوط به جرایم را بر عهده بگیرد. دوم اینکه چون تولید آمارهای دولتی ممکن است با مشکلات زیادی روبرو باشد، نیاز است تا از سازمان‌های غیررسمی در این عرصه حمایت شود تا این سازمان‌ها نیز بتوانند داده‌های مورد نظر مسئولان را در اختیارشان قرار دهند. پرهیز از نگاه صرفاً امنیتی در عرصه جرایم و به ویژه داده‌های آماری این بخش مهم‌ترین گامی است که هر یک از نهادهای فوق می‌توانند در عرصه فعالیت خویش به آن جامه عمل بپوشانند.

۵- نتیجه‌گیری

کنترل و پیشگیری از جرم در عصر حاضر، تابع تحولات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و حقوق بشری است. در عصر حاضر نقش نهادهای مدنی فعال و برجسته شده است. امروزه مقوله امنیت، مصرف سیاسی، اجتماعی و انتخاباتی پیدا کرده است و برقراری امنیت از طریق کنترل جرم به عنوان شرط رسیدن به زندگی با کیفیت‌تر در نظر گرفته می‌شود. فرهنگ کنترل جرم در ایران، بیشتر و پیش‌تر با فرهنگ مدل‌های کیفری مأنوس است. بنابراین تا به حال بیشتر پلیس را به عنوان پلیس کیفری و قهرآمیز می‌شناسیم. از سوی دیگر نظام عدالت کیفری کشور ایران فاقد یک مدل جامع در مقوله بزهکاری و کنترل جرم است. در حال حاضر دو رویکرد اصلی در مقابله و کنترل جرم در ایران مشاهده می‌شود: اول رویکرد سرکوب و مقابله با جرم و دوم رویکرد پیشگیری از جرم. کنترل کیفری و سرکوب‌گرایانه جرم از قدیم مورد توجه بوده است و در سال‌های اخیر هم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های پنجم و ششم توسعه به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر مقوله پیشگیری غیرقهرآمیز از جرم مهر تأیید زده و بر نقش نهادهای مختلف فرهنگی و حمایتی تأکید کرده‌اند. مدیریت کنترل جرم باید هم در مرحله پیشگیری و هم در مرحله شیوع جرم و هم پس از جرم مد نظر قرار گیرد.

بپردازد، در عمل بر محور حل مسئله [یعنی پیشگیری کنشی از جرم] شکل گرفته است. پژوهش کاونتری در سال ۱۹۹۲ در استرالیا مبین این است که این مدل به موضوعات پیشگیری از جرایم جوانان و ایجاد نگرشی که بسیاری از ایده‌های مدل لیبرال را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ پرداخته است. لازم است تأکید شود که رشد و بهبود شرایط جوانان یکی از انواع برنامه‌های مرتبط است و تأیید صریح مشکلات و نارسایی‌ها در طراحی هرگونه مداخله‌ی دولتی یا غیردولتی در زندگی جوانان مدنظر قرار می‌گیرد (وایت، ۱۳۹۱). در نهایت باید اذعان داشت که این رویکرد بر محور اصلاحات اساسی و تخصیص بهتر منابع در آتی تأکید می‌کند.

۴- مدل مناسب کنترل جرم در ایران

مدل اکولوژیک در چهار سطح طبقه‌بندی می‌شود، و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر رفتار افراد و نیز عواملی که احتمال قربانی شدن یا آمادگی فرد برای مشارکت در مسئله اجتماعی را افزایش می‌دهند، ممکن می‌سازد.

سطح اول، عوامل فردی و بیولوژیک را مشخص می‌سازد. داده‌های قابل ردیابی شامل شاخصه‌های فردی و جمعیت‌شناختی (سن، جنس، تحصیلات، درآمد)، سوابق رفتارهای آسیب‌زا یا خود کم‌بینانه و اختلالات ذهنی در این گروه جای می‌گیرند. به علاوه آسیب‌های سطح فردی نیز در این گروه قابل ردیابی هستند. سطح دوم، شامل روابط نزدیک‌تر، مثلاً بین زوجها و نزدیکان، دیگر اعضای خانواده و دوستان مشاهده شده است که اینها احتمال ابتلا یا ارتکاب آسیب‌های اجتماعی را افزایش داده است. گروه‌های همسالان و خانواده در این بخش از مهم‌ترین گروه‌های توسعه‌دهنده آسیب‌های اجتماعی به حساب می‌آیند. آسیب‌های مربوط به خانواده در این گروه قابل بررسی هستند.

سطح سوم، زمینه‌های اجتماعی که روابط اجتماعی در آن توسعه می‌یابند را مورد کاوش قرار می‌دهد، مانند مدارس، محل‌های کار و همسایگان. در این مدل تکیه بر این است که شاخصه‌های این محیط‌ها می‌توانند احتمال توسعه مسئله اجتماعی را افزایش دهند. این احتمال می‌تواند به وسیله عواملی مانند تحرک مکانی محل اقامت، تراکم جمعیت، سطح بالای بیکاری و وجود مبادله مواد در محله، تحت تأثیر قرار بگیرد. آسیب‌های مربوط به نهادهای اجتماعی در این سطح قابلیت بررسی دارند.

سطح چهارم، ناظر بر عوامل عمومی است، که در ارتباط با ساخت اجتماعی قرار دارد. این عوامل در آفرینش فضایی که آسیب‌های اجتماعی تحریک یا منع شود، نقش دارند؛ از جمله، وجود حمایت از لحاظ معیارهای فرهنگی و اجتماعی. این سطح، واقعیت‌های دیگری مانند سیاست‌های بهداشتی، اقتصادی، تربیتی و اجتماعی را که در حمایت از نابرابری‌های اجتماعی یا اقتصادی در بین گروه‌ها سهمیه است، در برمی‌گیرد. آسیب‌های مربوط به دولت و حاکمیت ملی در این سطح قابل بررسی است (علی‌وردینیا، ۱۳۹۰).

به طور کلی می‌توان سازمان‌های دخیل در پیشگیری و کنترل جرایم را با توجه به وظیفه و ماهیت وجودیشان به چند دسته تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی در جدول زیر آمده است:

۶- مراجع

- [۱] آرم، مرجان (۱۳۹۷)، جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران: نشر پدیدار.
- [۲] اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.
- [۳] پیترکی، منینگ (۱۳۹۵)، فناوری امور انتظامی: نگاشت جرم، فناوری اطلاعات و منطق کنترل جرم، ترجمه فرزاد حسینی، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه علوم انتظامی ناچا.
- [۳] جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳)، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهاردهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- [۴] دارابی، شهرداد (۱۳۹۴)، پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- [۵] زارع‌مهدوی، قادر و افراسیابی، علی (۱۳۸۹)، تحلیل مدل‌ها و گونه‌های پیشگیری از جرم بر مبنای فلسفه سیاسی هابز و روسو، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۴.
- [۶] سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی کج‌روی: مجموعه مطالعات کج‌روی و کنترل اجتماعی، جلد اول، (زیر نظر غلامرضا صدیق اورعی)، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- [۷] شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۴)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران: نشر ژوبین.
- [۸] علی‌وردی‌نیا، اکبر (۱۳۹۳)، مدیریت پیشگیری از جرم در ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۲، شماره ۸.
- [۹] عمید، حسن (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی عمید، جلد ۱، چاپ سوم: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- [۱۰] کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن.
- [۱۱] گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و سوم، تهران: نشر میزان.
- [۱۲] ماستری فراهانی، فیروزه (۱۳۹۷)، پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی (رشدمدار - جامعه‌مدار) در جرائم مرتبط با مواد مخدر، چاپ اول، تهران: فرهوش.
- [۱۳] مدنیان، غلامرضا و رحمت‌الهی، حسین و خالقی دامغانی، احمد (۱۳۹۰)، امکان یلا امتناع تبیین مفهوم نظم عمومی در حقوق (مطالعه در حقوق کشورهای ایران، انگلیس و فرانسه)، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، ش ۴۵.
- [۱۴] مظفری‌زاده، سجاد (۱۳۹۰)، پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران: نشر پندار پارس.
- [۱۵] موسوی‌فرد، محمدضا و همکاران (۱۳۹۶)، نقش پلیس در پیشگیری از جرایم راهکارهای پیشگیری از جرم، مجله نخیکن علوم و مهندسی، جلد ۲، شماره ۳.
- [۱۶] وایت، رابرت (۱۳۹۱)، وضعیت پیشگیری از جرم، مدل‌ها، شیوه‌ها و ملاحظات سیاسی، ترجمه شهرداد دارابی، نشریه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۱۱.